



آخرین شانس برای نسل نقره‌ای

چک، قهرمانی را می‌خواهد

ایتالیا همچنان شانس دار نخست صعود از گروه پنجم جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ است و شاید تیم آمریکا هم بتواند مثل جام جهانی قبلی کارهای غیرمنتظره‌ای را صورت بدهد و از غنا هم نمی‌توان غافل ماند. اما به نظر می‌رسد که خبرساز اول این گروه نه تیم‌های فوق بلکه چک باشد. تیمی که نسل استثنایی بازیکنانش (موسوم به نسل نقره‌ای) با به سن گذاشته و اگر در این جام کاری صورت ندهد، دیگر فرصتی برای انجام این کار در میادین بزرگ بعدی نخواهد داشت. پاول ندود، کارل یوبورسکی و ولادیمیر اسمیچر از اعضای همان نسل اند و با اینکه هیچ کدام کمتر از ۳۳ سال سن ندارند، اما در اجرای فرامین کارل بروکتر مربی پیر تیم چک سهم مهمی خواهند داشت و به نظر می‌رسد که تیم چک بدون آنها «تیم» نیست. بروکتر می‌گوید: «دو سال پیش در پرتغال (جام ملت‌های اروپا) تا نیمه‌نهایی پیش ناختیم، اما آنها و آن تورنمنت، هدف اصلی ما نبود و تمام اهداف و کارهای ما در راستای جام جهانی و فتح آن بوده است و در چنین روند و مسیری انجام شده است. به واقع از همان سالی که من آمدم (۲۰۰۲) همین مسئله هدف ما بوده است.» شاید خوش بینی بروکتر و شاگردانش از این نکته برخاسته باشد که ادغام پرتجربه‌ها و جوان‌ترها در اردوی ملی چک ظرف دو سه سال اخیر به خوبی صورت پذیرفته است. در سال ۲۰۰۰ بروکتر چک را به فینال مسابقات فوتبال قهرمانی امیده‌های اروپا رهنمون شد. در آن تیم بازیگرانی مثل توماس اوژفالسکی (عضو کنونی فیورنتینا)، مارک یان کولوفسکی (بازیکن فعلی میلان) و میلان باروش (بازیگر این روزهای استون ویلا) بازی می‌کردند. دو سال بعد چک آن تورنمنت را برد و آن سال نفراتی چون پترچک (دروازبان فعلی چلسی)، دیوید روزنال (عضو کنونی پاری سن ژرمن) و زدنیک گریگرا (بازیکن فعلی آژاکس) در آن تیم عضویت داشتند. بر این اساس توقع‌ها از تیم فعلی چک در سطحی بالا است ولی اگر به اردوی ملی این کشور سر بزنید، حس می‌کنید که تیم سراسری ندارند و راحت کار می‌کنند. این اردو در سیفیلد اتریش دایر است. شاید بتوان ایراد گرفت که مشغولیت‌های جنبی تحصیلی و اجتماعی ملی‌پوشان



چک طی هفته‌های اخیر زیاد بوده است و شماری از آنان مثل «پتر چک» در حال گذراندن امتحانات دانشگاه خود بوده‌اند ولی این راه هم بهتر از آن است که یک تیم با دغدغه و نگرانی فرط پای در صحنه بگذارد. یکی از کسانی که در روزهای اخیر در اردوی چک بسیار خبرساز بوده، توماس روسیچسکی است. هافبک چکی بوسریا دورتموند به تازگی سر از آرسنال درآورده است و کمتر کسی توانسته طی سال‌های اخیر به‌رغم شگفتنده بودن او و مسن تر است، خلاق‌ترین فرد در اردوی ملی چک بوده است. او طی یکی دو فصل اخیر به بازیکن بهتری بدل شده، زیرا در وست فالن از او خواسته بودند بیش از پیش در وظایف دفاعی مشارکت کند و او نیز مجبور به این کار شده بود. هرچه هست، روسیچسکی هنوز قادر است که با یکی دو پاس عمقی یارانش را در خط حمله به راه اندازد و بیشترین بهره از این طریق نصیب کولر و باروش شده است. او در ۲۵ سالگی صاحب ۵۴ بازی ملی در کارنامه خود است که رقم جالب توجه‌ای است.

یک استراتژیست برجسته

با این حال اگر بروکتر مربی چک نبود کمتر کسی راجع به این تیم اینگونه با تحسین سخن می‌گفت. او یک استراتژیست برجسته است که به خوبی می‌داند برای رسیدن به خواسته‌های فنی‌اش چه باید انجام بدهد و در هر مقطع از مسابقه چه چیزهایی مورد نیاز تیم اوست و این مسئله را در طول مسابقات یورو ۲۰۰۴ به خوبی نشان داد. تیم او آنجا در هر سه مسابقه خود در مرحله گروه‌ای نیکارها ابتدا از حریفان خود عقب افتاد و سپس به جریان نایل آمد و به پیروزی رسید و این کار را با تعویض‌های مناسب و بازی‌خوانی خوب بروکتر انجام داد. تیم او در روز مسابقه با هلدن ۲-۰ از این حریف عقب افتاد، اما او برای جریان یک نفر (گریگرا) را از خط دفاعی تیش کاست و یک مهاجم (اسمیچر) را به میدان فرستاد و چک با همین گونه تعویض‌ها برنده شد و گل پیروزی‌ساز این بازیکنان چک نیز او را بسیار دوست می‌دارند.
نمود می‌گوید: «بروکتر مثل بازیکن دوازدهم ما در داخل زمین است. ماجراهای ما و او بسیار ساده است، ما به میدانی می‌رویم و تمام توصیه‌های او را به اجرا درمی‌آوریم.» در نقطه مقابل بروکتر راضی نیست که توجه زیادی را برانگیزد و یا از خود تعریف و تمجیدهای بسیاری را بشنود. در یکی از کنفرانس‌های مطبوعاتی اخیرش نیز بروکتر بیشتر وقتش را با خیره شدن به سقف اتاق سپری کرد. وقتی از او پرسیدند نظرش راجع به تیم دانمارک چیست، پاسخ داد: «چه می‌دانم. مدتی است بازی‌های آنان را ندیده‌ام.» و زمانی که از وی پرسیدند چرا پیروزی‌های تیمش کم است، گفت: «باز و این چون چیزها برای جادوگران و پزشکان و این طور آدم‌ها است. ما مربی فوتبال هستیم. البته بروکتر در قبال شاگردانش بسیار مهربان‌تر و صریح‌تر است. «مهمترین مسئله این است که ما بتوانیم با اعضای راح‌ت به میدان برویم و بازیکنان ما از هر جهت و به خصوص روحی برای جام جهانی آماده شوند. برای مسابقاتی از این دست ۹۹درصد از قضا به فکر و روح بازیکنان مربوط می‌شود و به اینکه خودشان را از حریفان کوچک‌تر نشمارند. همه چیز باید هماهنگ باشد و این چیزی است که ما سعی داشته‌ایم به نحو احسن و اکمل در اختیار گیریم.»

منبع : guardian

در فصلی که گذشت روزها و شب‌های سرگیجه‌آوری را تجربه کرد. در برناثو متحمل توهین‌های فراوانی شد.

کسی او را خودی نمی‌دانست. برایشان مهم نبود که او بهترین گلزن سه سال اخیر تیمشان است. به هر حال هر چه باشد او رونالدو است. نامی جاودانه در تاریخ فوتبال. . . اما مسال برای او بدترین فصل ممکن در طول ۱۵ سال اخیر بود. حتی بدتر از ایامی که در اینتر مصدومیت‌های گوناگون و طاق‌ت فرسا به سرافش می‌آمدند. اما تابستان برای بهترین گلزن جام جهانی در چند سال اخیر و آقای گل آخرین دوره آن می‌تواند نوید روزهای «بازگشت به اوج» را دهد. او امیدوار و بالانگیزه به آلمان می‌رود تا به همراه نوابغ بی‌مانند فوتبال دنیا برای قهرمانی «سلسایو» تلاش کند. . . تنها سه گل!
بله! تنها سه گل می‌تواند او را بالاتر از گرد مولر افسانه‌ای به عنوان برترین گلزن تاریخ جام جهانی جای دهد. و این کار برای ستاره‌ای چون او شدنی است. . . به راحتی!

■ ■ ■

■ **خب رونی!** مثل همیشه شما مدعی اول قهرمانی هستید. . . این طور نیست؟

امیدوارم! ما مجموعه‌ای فوق‌العاده با بازیکنانی بی‌همتا در اختیار داریم.

همیشه تیم‌های مدعی همان‌هایی هستند که همیشه بوده‌اند. همان تیم‌های سنتی فوتبال. . . در جام جهانی در انتظار معجزه و یا شگفتی نباشید. شگفتی حداکثر در همان مرحله مقدماتی جام رخ می‌دهد. اگر آغاز شکوهمندی داشته باشیم می‌توانیم به تصاحب جام نیز بپنیدیشیم!

■ **اما یک نکته. . .** تاریخ به ما می‌گوید که تیم‌های آمریکای جنوبی در اروپا تنها یک‌بار موفق به فتح این جام شده‌اند!

این بحثی است بسیار قدیمی. . . پس شاید دلیل معقولی باشد. اما چنین رویه‌ای زمانی مصداق داشت که فوتبالبلیست‌های کمی از آمریکای جنوبی در اروپا بازی می‌کردند. الان زمانه عوض شده و همه چیز دگرگون گشته است. ما در فرانسه یعنی در سال ۹۸ در یک قدمی قهرمانی قرار داشتیم که به میزبان باختیم. امیدواریم با قهرمانی در این جام این تابوی نخ نما و کسل کننده را متلاشی کنیم!

■ **چرا برزیل همیشه قدرتمند است؟**

این دیگر جزئی از فرهنگ و آیین ما است. فوتبال ورزشی است که در اینجا – برزیل – محبوب‌ترین است. شوری که این ورزش در میان ما ایجاد می‌کند غیرقابل وصف است. و وقتی تورنمنت‌هایی از این جنس آغاز می‌شوند ما چنین شوری را وسعت می‌بخشیم و همه از آن لذت می‌بریم!

■ **پوشیدن آن لباس زرد افسانه‌ای برای کسی چون تو خیلی اغواکننده به نظر می‌رسد. . . نه؟**

این زیباترین و هیجان‌انگیزترین احساسی است که ممکن است به یک فوتبالبلیست دست بدهد. یک تجربه ناب و خالص. . . زیباترین بخش آن نیز احساس مسئولیتی است که شما در قبال تیم‌کشورتان دارید. همیشه فشار و تنش به سراغتان می‌آید و بازیکنان نیز باید با چنین استرسی کنار بیایند. همیشه می‌دانیم که حضور در تیم ملی برایمان پرفشار است اما با افتخار و رضایت چنین وظیفه‌ای را متقبل می‌شویم. تاریخ به ما یک‌نکته را گوشزد می‌کند و آن این است: «برزیل همواره خاستگاه برترین‌های فوتبال بوده است!!!»

■ **خب! در گروم‌تان باید در برابر کرواسی، استرالیا و ژاپن قرار بگیرید. . . چه عقیده در این رابطه دارید؟**

هر سه تیم حریفانی گردن کلفت و قدرتمند هستند.

فوتبال ژاپن طی چند سال اخیر جهش خیره‌کننده‌ای داشته، زیکو در هیبت یک مربی نقش غیرقابل انکاری در این پیشرفت داشته است. او تکنیک، حرفه‌ای‌گری و تجربه را به کالبد این کشور دمیده است. آنها حریف خطرناکی خواهند بود!

■ **چه ایده‌ای درخصوص استرالیا داری؟**

تنها یک بازیکن از آنها را به خوبی و کامل می‌شناسم. آن نیز جان آلویسی مهاجم آلاوس. سرمربی بزرگی در راس کار آنها قرار دارد و او کسی است که تورنمنت‌های گوناگونی را با تیم‌های مختلف تجربه کرده است. گاس هیدینک با اکثر مجموعه‌هایش کار‌های بزرگی خلق کرده است. او توانست کره جنوبی را تا نیمه‌نهایی هدایت کند و همین نکته موجب شد تا دیدگاه‌مان نسبت به استرالیا «ویژه» باشد. مربی آنها ستاره تیمشان است؛ یعنی گاس هیدینک.

■ **کدام تیم آسیایی را در جام جهانی قدرتمندترین و بهترین می‌خوانی؟**

واقعاً نمی‌توانم با صراحت جوابی برای سوالات داشته باشم. بستگی به نحوه آماده‌سازی تیم‌ها دارد. مهم این است که چگونه تا پیش از آغاز این تورنمنت مجموعه را سازماندهی کنی. . . آنها رقبای قابل احترامی هستند که شکست دادن‌شان کار آسانی نخواهد بود. کشورهای که تجربه کمتری نسبت به بقیه تیم‌ها در جام جهانی دارند با تمام انگیزه و میل به این رقابت‌ها پا می‌گذارند. با امیدواری بسیار زیاد و شوری بی‌مانند. . . ولی خب! برای آنها عبور از دور مقدماتی کاری است به غایت سخت. . .

■ **چه شانس‌های شمنن قدیمی‌تان قاتل می‌شوید. . . ؟**

بله! منظور آرژانتین است!

همین که تمام تیم‌ها نسبت به عملکرد رقیبانشان در این جام حساس و دقیق هستند نویددهنده نکات مثبتی است.

اگر ما – برزیل و آرژانتین – در برابر هم قرار بگیریم از تمام قدرتمان‌برای پیروزی در این بازی بهره خواهیم جست!

همواره احترامی عمیق بین دو کشور حاکم بوده است. و البته میان بازیکنان دو کشور. . . بله! شاید چنین جوی میان تماشاگران و هواداران جاری نباشد ولی این بخشی از شور فوتبال است. فوتبال تنها چیزبست که شما را از دغدغه‌های معمول زندگی‌تان خلاص می‌کند. فوتبال بهانه‌ای است برای زیستن در کنار یکدیگر. . . به نظر زیاد



ترجمه: سهیل نوری‌پناه

گفت‌وگو با رونالدو:

با فوتبال، جنگ را به حاشیه می‌رانیم

را بهترین گلزن تاریخ جام جهانی خواهد کرد. . . ! صداقانه بگیریم که نمی‌توانم نسبت به خلق چنین رکوردی بی‌تفاوت باشم. این چیزی است که مرا در تاریخ فوتبال جاودانه خواهد کرد. اما این هدف غایی‌ام در جام جهانی نخواهد بود. قهرمانی در این پیکار می‌تواند برای ما مهمترین دستاورد قلنداد شود. اما اگر بتوانم بهترین گلزن جام شوم و در کنار آن کشورم را تا قهرمانی هدایت کنم بی‌نظیر نخواهد شد. آنچه که موجب می‌شود به هر دو خواسته‌ام دست یابم!

■ **اگر بتوانی در این پیکار چنین رکوردی را به نام خود ثبت کنی گمان می‌کنی کدام مهاجم در آینده موفق به شکستن رکورد تو شود. . . ؟**

اگر بخواهم به کسی بازیم دوست دارم آن برنده یک هموطن باشم. . . کسی مثل آدریانو. . . چون او دوست من است و برای کشورم بازی می‌کند. ولی هیچ‌گاه نباید ما برزیلی‌ها به غریبه‌ها بازییم!!!

■ **معبود ایام کودکی‌ات در فوتبال چه کسی بود؟**

جدا از پدرم – کسی که در رشد فوتبالم نقش نخست را ایفا کرده است – زیکو را عاشقانه می‌پرستیدم. او برای فلامنگو بازی می‌کرد. تیمی که آن‌را در ایام کودکی دوست داشتم. او مرا واقعاً با هنرش متأثر می‌ساخت. همواره سعی می‌کردم که مثل او باشم. تقلید کردن از او برای من یک عادت شده بود.

■ **آیا به خرافات معتقدی؟ عادت داری که آنها را انجام بدهی و ادعا کنی که برایت شانس می‌آورند؟**

نه خرافه‌پرست به آن معنا آشنایش. . . اما همیشه وقتی قرار است وارد چمن فوتبال شوم سعی می‌کنم که با پای «راست» در آن حاضر شوم! شاید هم این تنها یک عادت باشد و نه کاری نشأت گرفته از خرافه‌پرستی. . .

اما خب! در بیشتر وقت‌ها قبل از مسابقه برای سلامتی و زیبایی فوتبال دعا می‌خوانم. نه فقط برای خودم که برای تمام فوتبالبلیست‌هایی که به میدان مسابقه می‌شایند. . .

■ **هیچ بازی فوتبالی زیبا و به دور از خشونت. . . همین!**

■ **آیا در هنگام زدن ضربه پناثلی فشاری کاذب بر تو وارد می‌شود؟**

بله! در روزهای حضورم در بارسلونا و اینتر من همواره برای چنین کاری نفر نخست بودم. زمانی هم در تیم ملی برزیل به یاد می‌آورم که نه نفر اول که جزه نامزدهای اصلی بودم. گمان می‌کنم پناثلی تنها به شانس یک دروازه‌بان وابسته است. زنده ضربه پناثلی‌اش را شلیک می‌کند و اگر دروازه‌بان جهت آن را اشتباه حدس بزند توپ وارد دروازه خواهد شد. گاهی نیز سنگریان خوش شانسش می‌آورد و حدسش درست از آب درمی‌آید و پناثلی‌زن ناکام لقب می‌گیرد!

■ **خب رونی! چه نقشه‌هایی پس از دوران بازیگری‌ات چیده‌ای؟**

نمی‌دانم که آیا آنقدر دوام می‌آورم که در جام جهانی ۲۰۱۰ هم باشم یا نه! امیدوارم در این تابستان روزهای موفقی را پشت سر بگذارم. و بعد نیز در خصوص آینده – که آیا بازی در تیم ملی را ادامه دهم یا نه – قضاوت خواهم کرد.

اما یک چیز را به خوبی می‌دانم. آن هم این است که بعد از دوران حرفه‌ای‌ام سه چهار سالی را از فوتبال جدا خواهم شد. یعنی استراحت مطلق. . . چون که تا ۱۵ سالگی در حال فوتبال بازی کردن هستم! به فعالیت‌های تجاری‌ام سر و سامان خواهم داد و سپس دوباره روی به فوتبال خواهم آورد. دوست ندارم روزی یک مربی فوتبال شوم. هیچ علاقه‌ای به آن ندارم. . . اما این بدین معنی نخواهد بود که ارتباطم را با این ورزش قطع خواهم کرد. فوتبال را هرگز ترک نمی‌کنم. . . هرگز!

برای لیبی و شاگردانش به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر اظهارات چند روز پیش فابیو کاناوارو کاپیتان تیم ملی ایتالیا که جو حاکم بر فوتبال این کشور را مسموتر از قبل کرد، نیز آراشش ظاهری کورچانو را به گونه‌ای دیگر به هم ریخت. کاناوارو در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که موجی و دیگران تقصیری در حوادث ایجاد شده ندارند و سیستم فوتبال از ابتدا بدین گونه پیش می‌رفته است. صحبت‌های غیرمترقبه‌ای که با زتاباز وسیعی در مطبوعات داخلی و خارجی داشت، خشم گوئیدورولی و مسئولان دیگر را به حدی برانگیخت که کاپیتان لاجوردی‌ها بیست وچهار ساعت پس از بیان این جملات به تصحیح آن پرداخت.

آژوروی‌ها با چنین اوضاع و احوالی خود را برای اولین بازی مقابل غنا آماده می‌کنند. این طور که گفته می‌شود فرانچسکو توتی به احتمال فراوان نخستین دیدار ایتالیا در رقابت‌های جام‌جهانی را از دست خواهد داد؛ چرا که آثار ناشی از مصدومیت چهار ماه پیش او که کاپیتان رم را به مدت ۸۴ روز از میادین فوتبال دور نگه داشته بود کم‌اکان به چشم می‌خورد.

البته طبق گفته پزشکان معالج وی، توتی تمرینات ویژه و جدگانه‌ای را برای رسیدن به شرایط آمرانی در برنامه روزانه خویش قرار داده ولی همان‌طور که لیبی نیز اظهار کرده تا آخرین لحظه حضور او در اولین بازی لاجوردی‌پوشان در پرده ابهام قرار خواهد داشت. آنچه مسلم است، لیبی و بازیکنانش پس از پایان اردوی کورچانو، ایتالیا را به مقصد آلمان ترک خواهند گفت و باید دید واکنش‌ها در لحظه ورود لاجوردی‌ها به خاک این کشور چگونه خواهد بود. البته پیش از آن، ایتالیایی‌ها مقابل سوئیس و اوکراین دو دیدار دوستانه محک زدن اعضای تیم، باید دید اتفاقات و حوادث اخیر تا چه اندازه بر روی روحیه بازیکنان تاثیر گذاشته است. مسلماً پیروزی آژوروی در این دیدارها، شرایط روحی – روانی تیمی را که پیش از آغاز جام نیز تا حدودی خسته به نظر می‌رسد، ارتقا خواهد بخشید.

حاشیه □

دعوا بر سر وسایل رونالدینیو



تیم ملی فوتبال برزیل چند روزی است که در سوئیس اردو زده است و تا ۱۳ خرداد که راهی آلمان و دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ می‌شود، در آنجا خواهد ماند. بازیکنان برزیل تعهد داده‌اند که قبل از رفتن از سوئیس با خاطرات کافی و یادگاری‌های متعددی را از خود برای اطرافیان به جای بگذارند. چیزهایی مثل لباس‌های امضا شده، یادبودها، مدال‌ها و پرچم‌های تیم برزیل. اما اینها بیشتر نصیب کارمندان هتل محل اقامت آنها می‌شود که از قبل برای اینباع و تصاحب این وسایل صف بسته‌اند. سهم مردم عادی چه می‌شود؟ در پاسخ باید گفت قرار شده است برخی از وسایلی که طی روزهای اقامت برزیلی‌ها در این هتل مورد استفاده آنها قرار می‌گیرد به حراج گذاشته شود. در این میان بیش از همه وسایلی مربوط به رونالدو و چیزهایی که وی در آن روزها تحت اختیار خود داشته، مورد توجه و درخواست قرار دارد و حتی قرار است وسایل روزمره مورد استفاده وی نیز در این حراجی جای گیرد. فیلیپ موشاف معاون اجرایی این هتل می‌گوید: «طرح به راه‌اندازی این حراجی و فروش وسایلی برخی از ستاره‌های برزیل به خصوص رونالدینیو که طرفدارانش از همه بیشتر هستند، تصادفی به فکرمان رسید. با هم صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این بهترین کار است.»

دنی میلز، منجی یک هواپیما



چه کار فوق صورت گیرد و چه خبر و چه حراجی مذکور و دعوا و رقابت بر سر متعلقات رونالدینیو سود هنگفتی را به جای گذارد و چه نه، چون اکثر قریب به اتفاق ملی‌پوشان برزیل ساکن شده‌شان در سوئیس و سپس آلمان دردرس چندانی را دربرنشانده است. مهم‌تر از همه اینکه نیازی هم به پروازهای طولانی مدت و کم‌ترسکن برای رسیدن به قلب اروپا وجود نداشته و آنان با پروازی بالنسبه کوتاه‌مدت از منچسترپه‌روپایند هستند و ایتالیا و فرانسه به سوئیس رسیده‌اند. اما اگر ستاره‌های امروز و مردان کنونی حاضر در جام جهانی این روزها پروازهای بی‌دردسری را تجربه می‌کنند، یک فوتبالبلیست انگلیسی که در جام جهانی قبلی (۲۰۰۲) حاضر بوده است و در جام ۲۰۰۶ غایب خواهد بود و دنی میلز نام دارد، به تازگی پردردسرت‌ترین پرواز ممکن را تجربه کرده و به گونه‌ای تبدیل به یک منجی برای سرنشینان یک هواپیما شده است. این مدافع سابق لیژر و بازیکن کنونی منچسترسیتی در راه نیویورک بود که یک «مدل» معروف لباس در اروپا به نام مارزانو کامیزلا ماردت به بیرون هدیه‌ایا و بردن اجباری آن به سمت کانادا کرد. این زن چنان شروع به چرخاندن اسلحه و یک بطری خالی در دستش کرد که انگار سال‌ها است هواپیمادزدی می‌کند. بقیه ماجرا را از زبان میلز بشنویم. «ما ابتدا به شدت جا خوریم، اما پس از گذشت قفاقی مجبور شدیم به سمت او برویم و در حالی که وحشت ما را گرفته بود، با ضربه‌ای تصادفی اسلحه از دستش افتاد. حداقل پنج دقیقه طول کشید تا خدمه هواپیما دستبند به دست‌های او زنند.»

گونه بیهو فوتبال پولدار شد

آنجلانیلور برعسک کامیزلا مدل لباس نیست و ساعات زندگی او نیز در تضاد کامل با این «مدل» دور از هواپیما و به طور ساکن و بر روی زمین می‌گذرد. او به واقع در اکثر اوقات تنها است، زیرا همسر و فرزندش طرفدار پروپاقرص فوتبال به‌شماره‌ایا و بردن اجباری آن به سمت کانادا کرد. تابستان» در سایر اوقات سال به طور متوسط هر ۴، ۳ روز یک بار یک مسابقه دارد، همسر و پسر آنجلانیلور هم دائماً در حال سفر هستند و از این شهر به آن شهر می‌روند تا مسابقات تیم محبوب خود را از نزدیک ببینند و هورا بکشند. این چنین است که تیلور به «بیهو فوتبال» بدل شده است. البته او راه‌حل‌هایی را برای مشکلاتش یافته است. «دیدم در تنهایی خواهم مرد. در نتیجه ششتم و تا سرحد امکان مسابقات فوتبال و هر چیز دیگری از این قبیل را دیدم و سپس شروع کردم به مطالعه گزارش‌ها و تفسیرهای این رشته در رسانه‌ها و حدس‌زدن نتایج مسابقات و سرانجام رسیدم به این نقطه که وقایع و رخندهای جنبی مربوط به فوتبال را شخصاً آریایی کنم. در نهایت شرط‌بندی روی تبلیج بازی‌های فوتبال به تفریح و سپس به تخصص من بدل شد. این چنین بود که تیلور در اواسط فصل گذشته شرط بست که منچستریونایتد نایب قهرمان لیگ برتر فوتبال انگلیس خواهد شد و همین طور نیز شد. اما شرط مهم‌تر و عجیب‌تری که او بست و با آن نیز به پیروزی قابل توجهی رسید، این بود که روی پیروزی تیمی به نام «کریز آتلنتیک افسر»ی که در جام حذفی تیم‌های «گریگلی» انگلیس شرط بست و این بار نیز همین اتفاق افتاد. در یک چشم بر هم زدن او برنده ۳۷۰ هزار پوند شد. او هنوز هم بیهو تنهای فوتبال است؛ اما یک بیهو پولدار و خوشحال.

ازدواج و تمدید قرارداد در یک محل

اگر دنی میلز تبدیل به یک ملی‌پوش سابق و فوتبالبلیست ماجراجو شده است و در گوشه‌ای از اروپا بر سر وسایلی شخصی رونالدینیو دعواوی بر پا است؛ یک فوتبالبلیست اسکاتلندی به نام استیفین میسمونز هم صاحب‌بلیت خوشبختی منحصر به فرد شده است. در یک روز و مکان واحد و خاص هم قرارداد او با تیم باشگاهی‌اش (دانفرملاین) تمدید شده است و هم با زن محبوبش پیمان زناشویی بسته است. اما اینجا یک شاید یک رویداد بی‌سابقه‌نیزه باشد، اما قضیه وقتی منحصر به فرد می‌شود که به اطلاع شما برسانیم مراسم تمدید قرارداد در محل عقدکنان او انجام شد. پیشنهاد این کار را جیم لیشمن مربی «دانفرملاین» داد. او گفت: «وقتی قرار است همگی به مراسم ازدواج خود برویم و کسانند او در چنان روزی به محل باشگاه قدری نامتضانه است چرا اعضای قرارداد را نیز به محل عقدکنان او منتقل و موکل نکنیم؟»